

دورنمای بحران مهاجرت

طالب حسین صمیم



می گیرند و تروریسم در کشور ما رخنه می کند... در این میان اما سوال پیش می آید که آیا رسالت سستگین بشر دوستانه نیولبرالیسم همین است که به قیمت حیات انسان مهاجر، وعده انتخاباتی اش را عملی سازد؟ و حقیقتا، این کدام نوع مدتی خواهند بود که با کمپان پالیسی های سختگیرانه علیه مهاجران و پناهجویان بی خانمان، به سیاست مداری براه دهند که انسانیت را قربانی سیاست کند.

صحیح ترین راهکار سیاسی که بتواند بحران و معضله پناهجویی را در جهان معاصر حل نماید، راه حل کشیدن دیوار فرا راه پناهجویان و نصب دوربین های مخفی در این دیوار ها است؛ یا بازداشت و در انتظار نگهداشتن پناهجویان در اردوگاه های نا مناسب در میان جنگل ها است. این درست است که این مسأله، در کوتاه مدت می تواند راه حلی برای رفع این بحران باشد؛ اما در دراز مدت کارساز نخواهد بود. همین که دولت امریکا نیز همانند دولت استرالیا در تلاش است تا مهاجرانی را در خاک خود جای دهند که به لحاظ اقتصادی روی پای خود بایستند، دورنمای را به تصویر می کشد که در آن وقت در کاله، دیوار های بلند برای جلوگیری از ورود پناهجویان بی خانمان ساخته می شود، وقتی انسان مهاجر را در میان جنگل های جزایر نارو و مانوس در بازداشت گاه های پناهجویی نگاه میدارند، وقتی هزاران انسان آواره از جنگ در کام نهنگ ها و در دل اقیانوس ها غرق می شوند، تصور مرگ انسانیت در ذهن آدم پدید می آید؛ و هزینه های سنگین انسانی را به تصویر می کشد که فرجام آن چرخش دوباره توحش بر حیات انسانی است.

از طرف دیگر، احتمال آن نیز وجود دارد که سیاست و پالیسی های سخت گیرانه سیاسیون کشور های مهاجر پذیر به گونه ی عبار شود که با آن به عنوان گزینه ی جمع آوری آرای مردم برای برنده شدن در رقابت های انتخاباتی، به کار رود؛ زیرا انگیزه های شهروندان کشور های مهاجر پذیر آن است که مهاجران و پناهجویان «فرهنگ مارا آلوده می کنند، کار مارا

تبعیض عرض و طول ندارد و یا توسط کدام پیمانۀ ی هم اندازه نمی شود. همین که کسی را در معرض آزار و اذیت های روحی و روانی قرار دهی و حقوق ششائرا پامال کنی، خود نوعی تبعیض است که کشور های ثروت مند در حق پناهجویان و مهاجران روا میدارند.

با آنکه نهاد های حقوق بشر و سازمان های غفو بین الملل بارها از سیاست های سخت گیرانه ی کشور های چون استرالیا و اروپا انتقاد داشته اند، اما روال سرکوب مهاجران هم چنان ادامه دارد. خصوصا اوضاع مهاجران و پناهجویان بازداشت سخت خانه های شان از اثر شلیک موشک و راکت و گلوله تخریب شده اند! از طرف دیگر، کشور های خود را در حال حاضر، حامی حقوق بشر میدانند و نیز کنوانسیون جهانی مهاجرت را امضا کرده اند که بر بنیاد آن حقوق پناهجویان و مهاجران را در نظر بگیرند؛ در این میان شکنجه های عمدی بر مهاجران روا می دارند که پناهجویان و مهاجران در کشور آنان پناهنده نشوند. این یک نوع تبعیض آشکار در حق پناهجویان است؛ زیرا

تبعیض عرض و طول ندارد و یا توسط کدام پیمانۀ ی هم اندازه نمی شود. همین که کسی را در معرض آزار و اذیت های روحی و روانی قرار دهی و حقوق ششائرا پامال کنی، خود نوعی تبعیض است که کشور های ثروت مند در حق پناهجویان و مهاجران روا میدارند.

با آنکه نهاد های حقوق بشر و سازمان های غفو بین الملل بارها از سیاست های سخت گیرانه ی کشور های چون استرالیا و اروپا انتقاد داشته اند، اما روال سرکوب مهاجران هم چنان ادامه دارد. خصوصا اوضاع مهاجران و پناهجویان بازداشت سخت خانه های شان از اثر شلیک موشک و راکت و گلوله تخریب شده اند! از طرف دیگر، کشور های خود را در حال حاضر، حامی حقوق بشر میدانند و نیز کنوانسیون جهانی مهاجرت را امضا کرده اند که بر بنیاد آن حقوق پناهجویان و مهاجران را در نظر بگیرند؛ در این میان شکنجه های عمدی بر مهاجران روا می دارند که پناهجویان و مهاجران در کشور آنان پناهنده نشوند. این یک نوع تبعیض آشکار در حق پناهجویان است؛ زیرا

تبعیض عرض و طول ندارد و یا توسط کدام پیمانۀ ی هم اندازه نمی شود. همین که کسی را در معرض آزار و اذیت های روحی و روانی قرار دهی و حقوق ششائرا پامال کنی، خود نوعی تبعیض است که کشور های ثروت مند در حق پناهجویان و مهاجران روا میدارند.

با آنکه نهاد های حقوق بشر و سازمان های غفو بین الملل بارها از سیاست های سخت گیرانه ی کشور های چون استرالیا و اروپا انتقاد داشته اند، اما روال سرکوب مهاجران هم چنان ادامه دارد. خصوصا اوضاع مهاجران و پناهجویان بازداشت سخت خانه های شان از اثر شلیک موشک و راکت و گلوله تخریب شده اند! از طرف دیگر، کشور های خود را در حال حاضر، حامی حقوق بشر میدانند و نیز کنوانسیون جهانی مهاجرت را امضا کرده اند که بر بنیاد آن حقوق پناهجویان و مهاجران را در نظر بگیرند؛ در این میان شکنجه های عمدی بر مهاجران روا می دارند که پناهجویان و مهاجران در کشور آنان پناهنده نشوند. این یک نوع تبعیض آشکار در حق پناهجویان است؛ زیرا

روح دانای هرات

عبدالکریم شعبانی

این کتاب هر چند سلجوقی، بیشتر به آرا و نظریات متفکران و صاحب نظران بزرگ جهان می پردازد و خودش کمتر اظهار نظر می کند، اما نفس پرداختن به چنین موضوعی، و جمع آوری آرا بزرگان اندیشه و نظر در باب این موضوع، نشانه می دهد که «وجود خداوند» و اثبات آن، برای وی تا چه اندازه، مهم بوده است. در فصلی تحت عنوان «راز و نیاز»، مطلبی را آورده است که ایمان عارفانه‌ای وی به خدا و جهان و انسان را نشان می دهد و ذکر آن در اینجا خالی از فایده نخواهد بود: «... و به طفیل رضا و قضای تو از ازل آمده‌ایم و جانب ابد رهسپاریم؛ و آن چیزی را که ما زندگی، مرگ می نامیم، دو دروازه‌ای تشریفاتی است برای پذیرایی هستی ما که از هستی تو پرتو گرفته...». این فقره، با باور و درک عرفای ما از جهان و خدا مطابقت دارد. در واقع عرفا هستند که هستی را تجلی نور خداوند می دانند.



اما اندیشه‌ای سلجوقی به این جا ختم نمی شود. وی در میدان‌های بسیاری جولان داده است و در عرصه‌های مختلفی دست و قلم و پژوهش برده است و آثار عالی و ارجمندی خلق کرده است. ترجمه‌های «اخلاق نیکوماخوس» نمونه‌ای از این آثار است. این ترجمه به احتمال قوی، اولین ترجمه‌ای اخلاق ارسطو در زبان فارسی است. بدین لحاظ خدمت بزرگی است به ادب و فرهنگ ما، که باید آن را ارج نهاد. این مطلب، باید در فرستادگی، به تفصیل باز شود. لازم به یاد آوری است که این ترجمه و دو کتاب پیش گفته، «نقد بیدل» و «تجلی خدا در آفاق و انفس» جدی ترین تفسیرها و شرح‌هایی است که در پیرامون اشعار بیدل نوشته شده است. در این کتاب، به زوایای پنهان اندیشه‌ای بیدل توجه شده است و تسلط کم نظیر نویسنده را در فهم گره‌ها و اندیشه‌های پیچیده و نامتعارف بیدل نشان می دهد. بیدل، شاعری مغلط‌سرا بوده است و اگر بر زبان فارسی و رباعی که ویژه‌ای بیدل است مسلط نباشیم هرگز از خواندن اشعار بیدل، به نتیجه‌ای نخواهیم رسید. لذا از اینجا می توان دریافت که سلجوقی، تا چه اندازه بر زبان و ادبیات فارسی و عربی تسلط داشته است که او را قادر به رخنه کردن در اندیشه‌های بیدل کرده است. جای دیگری که میتوان در آن جا، تفکر عرفانی سلجوقی را دید، کتاب ارزشمند «تجلی خدا در آفاق و انفس» است. این کتاب بنابه گفته‌های خود نویسنده، «محاضره» ای در «اثبات وجود خداوند» به ادله‌ای برهانی و خطابی، در

سلجوقی به این که مرد سیاست نیز بود، و در دوره‌های مختلف، مسئولیت‌های مهم دولتی نیز داشته است، اما در عین حال، تفکری عرفانی و صوفی‌مسلك نیز داشته است. وی علاقه‌ای شایانی به بیدل دهلوی، شاعر غزل‌سرای قرن یازدهم و خردورزی را به درستی نشناخته‌ایم و ندانسته حرمت آن را شکستیم. باری از این سخنان که در گذریم، صلاح الدین سلجوقی، اندیشمندی ژرف‌اندیش و پرکار بود و درد و دغدغه‌های دانا‌ی داشت. کتاب‌ها و نوشته‌های او، بهترین گواه این سخن است. وی احاطه‌ای شگفت‌آوری بر فلسفه، ادبیات، عرفان و دیگر عرصه‌های علوم اسلامی داشته است. از معاصران ما، به جز اسماعیل مبلغ، کمتری کسی را می توان یافت که به اندازه‌ای سلجوقی بر متون کلاسیک اسلامی احاطه‌ای عمیق داشته باشد. سلجوقی، بر زبان عربی که اولین روزنه‌ای فهم «سنت» است تسلط بی مانند داشت، به همین جهت، وی به درک و شناختی عمیق از «سنت» دست یافته بود. در عین حال، وی از فلسفه‌های اروپایی نیز بی بهره نبود و آن را به خوبی می شناخت. در «نقد بیدل» به فلسفه‌های معاصر اروپایی توجه داشته است و در کتاب «تجلی خدا در آفاق و انفس» به شرح آرای متفکرانی همچون دکارت، کانت، اسپینوزا، روسو، لاک، لایبنتز، توماس آکویناس و دیگران پراخته است. همچنان در سبب براین اثبات وجود خداوند در اندیشه‌های فلاسفه‌های یونان باستان، امثال سقراط، افلاطون و ارسطو بحث کرده است.

سلجوقی به این که مرد سیاست نیز بود، و در دوره‌های مختلف، مسئولیت‌های مهم دولتی نیز داشته است، اما در عین حال، تفکری عرفانی و صوفی‌مسلك نیز داشته است. وی علاقه‌ای شایانی به بیدل دهلوی، شاعر غزل‌سرای قرن یازدهم و خردورزی را به درستی نشناخته‌ایم و ندانسته حرمت آن را شکستیم. باری از این سخنان که در گذریم، صلاح الدین سلجوقی، اندیشمندی ژرف‌اندیش و پرکار بود و درد و دغدغه‌های دانا‌ی داشت. کتاب‌ها و نوشته‌های او، بهترین گواه این سخن است. وی احاطه‌ای شگفت‌آوری بر فلسفه، ادبیات، عرفان و دیگر عرصه‌های علوم اسلامی داشته است. از معاصران ما، به جز اسماعیل مبلغ، کمتری کسی را می توان یافت که به اندازه‌ای سلجوقی بر متون کلاسیک اسلامی احاطه‌ای عمیق داشته باشد. سلجوقی، بر زبان عربی که اولین روزنه‌ای فهم «سنت» است تسلط بی مانند داشت، به همین جهت، وی به درک و شناختی عمیق از «سنت» دست یافته بود. در عین حال، وی از فلسفه‌های اروپایی نیز بی بهره نبود و آن را به خوبی می شناخت. در «نقد بیدل» به فلسفه‌های معاصر اروپایی توجه داشته است و در کتاب «تجلی خدا در آفاق و انفس» به شرح آرای متفکرانی همچون دکارت، کانت، اسپینوزا، روسو، لاک، لایبنتز، توماس آکویناس و دیگران پراخته است. همچنان در سبب براین اثبات وجود خداوند در اندیشه‌های فلاسفه‌های یونان باستان، امثال سقراط، افلاطون و ارسطو بحث کرده است.

صلاح الدین سلجوقی (۱۲۷۴ - ۱۳۴۹ ه.ش) متفکری که به رغم خدمات ارزنده‌اش به فرهنگ و ادب این سرزمین، نیم قرن بعد از مرگ‌اش هنوز در زیر سایه‌ای کم لطفی و بی اعتنائی نسل‌های پس از خود به سردی می برد. اما بگذریم از اینکه چهره‌های بسیاری همانند سلجوقی، رخ در نقاب خاک کشیدند بی آن که فریادهای‌شان طنینی بر گوش‌های خفته‌ای نسل‌هایی چون نسل ما انداخته باشد. ناگفته پیداست که اندیشه و عاملی که باعث نوشتن این متن شده است نیز، شدت مهجوری و سرنوشت غربت‌زده‌ای متفکرانی همچون سلجوقی است. ورنه اگر هر صاحب نظر و اهل اندیشه‌ای در باب این متفکران چند سسطری نوشته بودند

دیگر تکرار مکررات چی دلیلی داشت. اما در نوشتن همواره حرف و سخن جدید نیست، نوشتن گاهی پرداختن مجدد و چندباره به امری انجام شده است برای تأکید بر جدیت و اهمیت آن. پرداختن به صلاح الدین سلجوقی، نه از آن رو دارای اهمیت است که وی متفکری استثنایی و بی نظیر است که در عرصه‌ای فرهنگ و ادب معجزه‌آسا کار کرده است، بلکه بدان جهت که در فرهنگی فقیر و بلازده زیسته است اما به جای هرزه‌گی و افتادن در دام ابتذال، به اندیشه و تفکر پناه برده است و علاج درد مزمن و نابودگر فرهنگ و تاریخ خویش را در اندیشیدن و عقلانیت جستجو است. اینکه گاهی می بینیم روشنفکرانی چون محمود طرزی، شآن بیشتری از سلجوقی و اسماعیل مبلغ دارند، هرگز ربطی به کم کاری یا پرکاری آنان ندارد، بلکه ندادن پروری و سماجت ما را در مقابله با خرد و دانایی نشان می دهد. چون آن قدر اسیر مشهورات و کلیشه‌های فرسوده و مبتذل بوده‌ایم که هرگز مجال اندیشیدن به واقعیت‌های پیرامون خویش را ندانسته‌ایم. قصد ما هرگز توهین و تحقیر یک متفکر و توصیف و ستایش به ناحق متفکری دیگر نیست. «طرزی»، «سلجوقی»، «مبلغ» و دیگران، اگر کاری انجام داده‌اند جز در راستای خدمت به فرهنگ این سرزمین نبوده است. مقام تفکر، هرگز مقام همت و برجسب‌زنی نیست، مقام گفتگو و مجال دادن به منطق و استدلال و عقلانیت است. اما وقتی ما از شخصی با اندک کارش در عرصه‌ای دانش

صلح باید همسو با قانون اساسی و ارزش‌های عمومی باشد

نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان به شورای امنیت این سازمان گفته است که طالبان باید بخشی از آینده افغانستان باشند. تادامیچی یاماموتو این سخنان را در نشست ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد افغانستان گفته است. او تأکید کرده است که حکومت افغانستان، کشورهای همسایه و تمامی جوانب درگیر منازعه، باید این پیام را داشته باشند که طالبان باید بخشی از آینده افغانستان باشند. آینده سیاسی افغانستان و ختم جنگ در کشور از مسایل مهم و اساسی است که حکومت افغانستان و جامعه جهانی با آن روبرو است. پیش از یک و نیم دهه تلاش برای آوردن صلح و ثبات در کشور اکنون با چالش‌های جدی مواجه شده است و گروه‌های تروریستی امنیت و ثبات کشور را پیش از هر زمانی تهدید می کنند. خشونت‌های اخیر در کشور باعث شده است که جامعه جهانی یکبار دیگر به سرنوشت جنگ در افغانستان توجه کنند و برای پایان دادن به این جنگ، در جستجوی راه حل باشند.

اما سؤال اساسی این است که مسئله‌ی جنگ در افغانستان باید از چه جرایم دنبال شود؟ آینده افغانستان باید بر چه اساسی پایه‌گذاری شود؟ ختم جنگ و آوردن ثبات در کشور، از آرزوهای دیرینه‌ی تمام شهروندان افغانستان است، اما آنچه که برای مردم افغانستان از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است، قانون اساسی و قوانین جزایی و مدنی کشور است. صلح و آینده‌ی سیاسی افغانستان باید مطابق با قانون اساسی و سایر قوانین کشور پایه‌گذاری شود. بر این اساس گروه‌های تروریستی و مسلحی که می‌خواهند به پروسه‌ی صلح بپیوندند، در کام نخست باید قانون اساسی و قوانین مدنی و جزایی کشور را بپذیرند و در گام دوم باید به آزادی‌های مدنی، آزادی بیان و رسانه‌ها و آزادی‌های مذهبی احترام بگذارند. گروه‌های طالبان تا کنون حاضر به پذیرش قانون اساسی افغانستان نشده‌اند. آزادی‌های مدنی شهروندان را مردود شمرده‌اند و علیه رسانه‌ها و گروه‌های مذهبی، اقدامات تروریستی انجام داده‌اند. علاوه بر این، آنها هر روز در گوشه و کنار کشور خشونت می‌آفرینند و از مردم افغانستان قربانی می‌گیرند.

گروه طالبان تا زمانیکه دیدگاه‌های افراطی‌شان را تغییر ندهند، دست از خشونت‌آفرینی بر ندارند، حاضر به پذیرش قانون اساسی و سایر قوانین و آزادی‌های مدنی شهروندان کشور نشوند، نمی‌توانند بخشی از آینده‌ی افغانستان باشند. تنها راه برای پیوستن این گروه به کاروان آینده‌ی افغانستان، پذیرش قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان است. هرگونه توافق سیاسی برای سرنوشت آینده‌ی افغانستان باید در چارچوب قانون اساسی کشور صورت گیرد و کسانیکه می‌خواهند بخشی از آینده‌ی افغانستان باشند، باید قانون اساسی را بپذیرند.



روژنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله‌یاینگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

بنیان‌گذار: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی‌زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب‌سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine